

تاریخ نشر در انترنیت:

بیست و یکم ماه می سال میلادی 2011

---

## وزن شعر و ترانه

### درس سوم

---

#### تمرین تقطیع

در پیامهایی که به من رسیده اند، شمار زیادی از دوستان این نظر را ابراز کرده اند که بهتر است مطالب تیوریک آهسته آهسته و به صورت تدریجی مطرح شوند. این دوستان میگویند که باید بعد از هر درس تیوریک، چندین درس عملی با نمونه های زیادی از تقطیع آورده شوند. دیگر اینکه پیشنهاد کرده اند که هر درس کوتاه باشد. درس شانزده صفحه ای باید کمتر و درسا بهتر است 4، 5 صفحه ای باشند.

به خواست دوستان لیبک گفته اکنون یک درس مختصر را با نمونه تقطیع می آورم.

در صفحه فیس بوکی خانم شیرین احمد زاده (شیرین کابلی)

Sherin Ahadzada (Sherin Kabuli)

یکی از دوستان به نام محمد هاشم (Mohammad Hashim) تبصره ای نوشته و یک سروده زیبا و پر معنا را درج کرده است. از این دوست خواستم که برایم اجازه دهد تا این سروده را درج سایت انجمن «وزن شعر و ترانه» کنم. و نوشتم:

«میخواهم سروده زیبای تان را در صفحه وزن شعر و ترانه نشر کنم. لطفاً نظر تان را ابراز کرده ممنون سازید. با احترام محمد سالم اسپارتک»

آن دوست چنین پاسخ داد:

«سلام به شما که احساسی والا از کوهساران بلند همچو غرور مردمش دارید. فهم کوچک من در نگاشتن این سروده قاصر است. دوست عزیز، اسم شاعرش را می یابم و شما را اطلاع میدهم.»

در پاسخ نوشتم: «تشکر. لطفاً این کار را بکنید! باز هم تشکر.»

به هر حال در حالی که انتظار هستیم تا شهرت سراینده این اثر زیبا را به دست آورم، این سروده را شامل مواد درسی نموده و آن را تقطیع میکنم. دوستان خواهند دید که این سروده نه تنها از همه دیدگاههای هنر شاعری بلکه منجمله از دیدگاه وزن، یک سروده کم نظیر است و هنگام تقطیع کوچکترین سکنه گی در کار شاعر از دیدگاه وزن به مشاهده نرسید.

## «یادت نره»

کوش کن ای جان من تا این سخن یادت نره

قصه تاریخ این خاک کهن یادت نره

داستان راد مردان وطن یادت نره

در کنار بسترت گپ های من یادت نره

**گرچه انسانی ولی، آدم شدن یادت نره**

قیمتی از هر طرف دیده درایی می کند

دالر و کلدار هم قدرت نمایی می کند

با غریبان زنده گی هم بی وفایی می کند

هر کجا پا میگذاری زن گدایی می کند

**کودک لب تشنه آن بیوه زن یادت نره**

روز و شب دیدم که طفلان در فغان افتاده بود

از خیال نازک شان رنگ نان افتاده بود

گویا سنگ ستم از آسمان افتاده بود

طایر بی بال و پر از آشیان افتاده بود

**داستان نا تمام فقر زن یادت نره**

ای وطن تو زادگاه مردم داناستی

یکدمی بر خود نظر، کن از همه بالاستی

زادگاه جامی و خوشحال و مولاناستی

از سنایی و عطار و بو علی سیناستی

**این زمان آوارگان بی وطن یادت نره**

گاهگاهی یاد آن شبهای پغمان هم به خیر

یاد فصل مستی انگور پروان هم به خیر

میله نو روز دربارِ سخی جان هم به خیر

یاد یخمالک زدن های زمستان هم به خیر

**جشن استقلال و شب های چمن یادت نره**

(هر سطر این سروده بر من بسیار تأثیر کرد و چندین بار هنگام تنظیم این درس گریستم. م. س. اس.) به هر حال تقطیع را تقدیم میکنم.

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	
دم	ق	دم	دم	دم	ق	دم	دم	دم	ق	دم	دم	دم	ق	دم	
گوش کن ای جان من، تا این سخن یادت نره															
ره	ن	د	ت	یا	خ	س	این	تا	من	ن	جا	ای	کن	ش	گو
قصه تاریخ این خاک کهن یادت نره															
ره	ن	د	ت	یا	هن	ک	ک	خا	این	خ	ری	تا	بی	ص	قص
داستان راد مردان وطن یادت نره															
ره	ن	د	ت	یا	طن	و	نی	دا	مر	د	را	نی	تا	س	دا
در کنار بسترت گپ های من یادت نره															
ره	ن	د	ت	یا	من	ی	ها	کپ	رت	ت	بس	ری	نا	ک	در
گرچه انسانی ولی آدم شدن یادت نره															
ره	ن	د	ت	یا	دن	ش	دم	آ	لی	و	نی	سا	ان	چ	گر
قیمتی از هر طرف دیده درایی می کند															
ند	ک	می	بی	را	د	ده	دی	رف	ط	هر	از	نی	م	قی	ند
دالر وکلدار هم قدرت نمایی می کند															
ند	ک	می	بی	ما	ن	رت	قد	هم	ر	دا	کل	رو	ل	دا	ند
با غریبان زندگی هم بی وفایی می کند															
ند	ک	می	بی	فا	و	بی	هم	گی	د	زن	بان	ری	غ	با	ند
هر کجا پا میگذاری زن گدایی می کند															
ند	ک	می	بی	دا	ک	زن	ری	ذا	ک	می	پا	جا	ک	هر	ند
کودک لب تشنه آن بیوه زن یادت نره															
ره	ن	د	ت	یا	زن	و	بی	آن	بی	ن	تش	لب	کی	د	کو

روز و شب دیدم که طفلان در فغان افتاده بود														
رو	ز	شب	دی	دم	ک	طف	لان	در	ف	فا	نف	تا	د	بود
از خیال نازک شان رنگ نان افتاده بود														
از	خ	یا	ل	نا	ز	کی	شان	رن	ک	نا	نف	تا	د	بود
گویا سنگ ستم از آسمان افتاده بود														
گو	ی	یا	سن	گی	س	تم	از	آ	س	ما	نف	تا	د	بود
طایر بی بال و پر از آشیان افتاده بود														
طا	ی	ری	بی	با	ل	پر	از	آ	س	ما	نف	تا	د	بود
داستان نا تمام فقر زن یادت نره														
دا	س	تا	نی	نا	ت	ما	می	فق	ر	زن	یا	دت	ن	ره
ای وطن تو زاد گاه مردم داناستی														
ای	و	طن	نو	زا	د	گا	هی	مر	د	می	دا	نا	س	تی
یکدمی بر خود نظر کن از همه بالا ستی														
یک	د	می	بر	خُد	ن	ظَر	کن	از	ه	مه	با	لا	س	تی
زادگاهی جامی و خوشحال و مولاناستی														
زا	د	گا	هی	جا	م	یو	خُس	حا	ل	مو	لا	نا	س	تی
از سنایی و عطار و بوعلی سیناستی														
از	س	نا	یی	وو	ع	طا	رو	بو	ع	لی	سی	نا	س	تی
این زمان آواره گان بی وطن یادت نره														
این	ز	ما	نا	وا	ر	گا	نی	بی	و	طن	یا	دت	ن	ره
گاهگاهی یاد آن شبهای پغمان هم به خیر														
گا	ه	گا	هی	یا	د	آن	شب	ها	ی	پغ	مان	هم	ب	خیر
یاد فصل مستی انگور پروان هم به خیر														
یا	د	فص	لی	مس	ت	یی	ان	گو	ر	پر	وان	هم	ب	خیر
میله نو روز دربار سخی جان هم به خیر														
می	ل	یی	نو	رو	ز	در	با	ری	س	خی	جان	هم	ب	خیر
یاد یخمالک زدن های زمستان هم به خیر														
یا	د	یخ	ما	لک	ز	دن	ها	یی	ز	مس	تان	هم	ب	خیر
جشن استقلال و شب های چمن یادت نره														
جش	ن	اس	تق	لا	ل	شب	ها	یی	چ	من	یا	دت	ن	ره

دوستان خواهش است که در باره تقطیع سوال کنید. لطف کنید و بار دیگر به بخش تیوریک مراجعه کنید. تا زمانیکه شناختن هجا های کوتاه و دراز درست درک نشوند و باریکی های تقطیع فهمیده نشود، پی بردن به وزن شعر، کار مشکلی است. ما به شیوه نوین کار را آغاز کرده ایم. باید ثابت شود که شیوه کار ما و شما نتیجه می دهد. چنین باد!